

رابطه ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به مد با نگرش به بدن در زنان چاق ۲۵ تا ۵۰ ساله شهر ایلام

حنانه‌السادات منوچهری ماسوله^۱

چکیده

این پژوهش که با هدف بررسی ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به مد با نگرش به بدن در زنان چاق ۲۵ تا ۵۰ ساله در شهر ایلام انجام شد، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنانی است که بر اساس نظر پزشک در ارزیابی توده بدن (BMI)، چاق تشخیص داده شده و در سال ۱۴۰۰-۱۳۹۹ به درمانگران مراکز بالینی جهت تعیین اختلالات روان‌شناختی معرفی شده‌اند. گروه نمونه که به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید، ۱۰۰ نفر از زنان چاق با مشخصات مذکور را شامل می‌شد. ابزار پژوهش عبارت بود از سه پرسشنامه شخصیت آیزنک (۱۹۶۳)، نگرش به مد صفارنیا و همکاران (۱۳۹۰) و پرسشنامه بدن فیشر (۱۹۷۰). یافته‌های پژوهش نشان داد که بین ویژگی‌های شخصیتی برون‌گرایی و درون‌گرایی و نگرش به بدن در میان زنان جامعه هدف، رابطه معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد. و بین ویژگی‌های شخصیتی روان‌رنجوری و ثبات و نگرش به بدن رابطه معناداری وجود ندارد؛ همچنین نتیجه پژوهش نشان داد که بین نگرش به مد و نگرش به بدن در میان زنان ۲۵ تا ۵۰ ساله شهر ایلام، رابطه معناداری وجود ندارد و بین ویژگی‌های فردی و اجتماعی (وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، تحصیلات) و نگرش به بدن در بین زنان ۲۵ تا ۵۰ ساله شهر ایلام، رابطه معنادار وجود دارد.

واژگان کلیدی: ویژگی‌های شخصیت، نگرش به مد، نگرش به بدن، زنان چاق، شهر ایلام.

۱. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روانشناسی شخصیت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران

مقدمه

امروزه یکی از مهمترین خصوصیات جوامع شهری، تغییرات سریع اجتماعی و فرهنگی است؛ زیرا خصوصیات هر نسل قابل تغییر است؛ در نتیجه نسل‌های جدید به سنت‌ها و ارزش‌های پیشینیان وفادار نمی‌مانند و نسبت به آنها بی‌توجه می‌شوند؛ پس به مرور از اعتقاد به این سنن و اهمیت آنها کاسته می‌شود. گسترش وسایل ارتباط جمعی و فناوری‌های جدید رایانه‌ای، امکان ارتباطات گسترده‌ای را برای جوامع و فرهنگ‌های گوناگون فراهم کرده است که به تبع آن، موقعیت افراد در شناخت و فهم ارزش باورها و انتخاب هنجارهای مطلوب، پیچیده‌تر و مشکل‌تر شده و چه بسا موجب بروز تضاد رفتارها و تفاوت ارزش‌ها در نسل جوان شده است (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹: ۶۴). گرایش به مد پدیده‌ای اجتماعی است که کمابیش در میان همه اقشار جامعه وجود دارد و در این میان، زنان بیش از دیگران به این مقوله اهمیت می‌دهند و مدگراتر هستند. بدون تردید مدگرایی را نمی‌توان به طور مطلق رد کرد؛ اما پذیرش بدون قید و شرط آن نیز معقول نیست. میانه‌روی در مدگرایی و نظارت بر هماهنگی آن با فرهنگ و مذهب و ملیت و تیپ شخصیتی افراد برترین شیوه تعدیل نگرش‌های افراد به ظاهر بدن خواهد بود؛ زیرا مد، الگویی فرهنگی است که توسط بخشی از جامعه در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه پذیرفته می‌شود و سپس فراموش می‌گردد؛ لذا نباید در زمان حیات خود منجر به تضاد شدید بین نسل‌های مختلف جامعه شود (عمیدی و احمدی، ۱۳۹۵: ۱۲۴). پیامد گرایش به مد آن است که فرد، سبک لباس پوشیدن و طرز زندگی و رفتار خود را طبق آخرین الگوها تنظیم می‌کند و به محض آنکه الگوی جدیدی در جامعه رواج یافت، از آن پیروی می‌نماید. در این راستا، رفتارهای شخصیتی ممکن است با درجه بالایی با انتخاب مد مرتبط باشد؛ برای مثال افراد به شدت برون‌گرا برای تعاملات اجتماعی ارزش قائلند؛ بنابراین ممکن است به نظر دیگران در ارتباط با لباس پوشیدنشان فکر می‌کنند. افرادی که هوش انتخاب مد بالایی دارند ممکن است بخواهند تصویر موفقیت خود را از طریق پوشیدن لباس منعکس کنند؛ بنابراین خرید بر اساس مد به عنوان یک تصمیم مهم می‌تواند با درگیری شدید ذهنی همراه باشد (المدرسی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۹۱). در هر حال نظام‌های فرهنگی حاکم بر جامعه، بازتاب

ارزش‌های برخاسته از حاکمیت اقتصادی و فرهنگی هستند. ویژگی‌های شخصیتی نیز در برگیرنده مجموعه‌ی بشماری از خصوصیات هستند که تأثیر آنها بر جسم و روان افراد یکسان نیست. برخی از ویژگی‌های شخصیتی افراد ارتباط نزدیکی با سلامت و بهزیستی جسمی و روانی آنها دارند و بر عادات و رفتارهای بهداشتی و سلامت آنها تأثیری تعیین‌کننده می‌گذارند. برخی از ویژگی‌ها نیز با تصویر بدنی منفی و نگرانی در مورد ظاهر ارتباط منفی دارند (نادری و مرادیان، ۱۳۸۹: ۴۸).

بدن، چه در سطح فردی چه در سطح جمعی، ماده‌ای هویت‌ساز است. کنش‌های سازنده‌ی بافت زندگی روزمره، از ساده‌ترین اشکال آن تا پیچیده‌ترین آنها، نیازمند دخالت و عامل بدنی هستند. بدن که در زمینه یا اجتماع و فرهنگی احاطه‌کننده کنش‌گر شکل می‌گیرد، عاملی نشانه‌ای است که از خلال آن رابطه‌ی انسان با جهان بیرون به واقعیت بدل می‌شود. بدن به نادرست یک پدیده‌ی بدیهی به نظر می‌رسد؛ در حالی که ماده‌ای ساده نیست؛ بلکه حامل یک تبیین اجتماعی و فرهنگی است (میکایلی و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۲)؛ بنابراین مسئله‌ی بدن و تصور از آن، به ارزش‌ها و فرهنگ اجتماع برمی‌گردد؛ چنانکه با افزایش سرمایه‌ی فرهنگی، افراد تمایل بیشتری به مدیریت بدن خود می‌یابند و تفکر خودکنترلی در آنها پرورش می‌یابد؛ همچنین افراد تشویق می‌شوند تا با استفاده از استراتژی‌های ابزاری به مدیریت بدن خود پردازند و آن را پروژه‌ای در دست اقدام ببینند (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۸۱). در این راستا در پرتو حاکمیت ارزش‌های نظام سرمایه‌داری در کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه که از طریق فضای مجازی، اینترنت و مد خود را اشاعه می‌دهند، مدیریت بدن به معنای دستکاری مستمر در ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن است و این مفهوم با کمک معرف‌هایی، مانند سبک لباس پوشیدن، آرایش موی سر، استفاده از پیرایه‌ها، رژیم‌های غذایی، دستکاری پزشکی، میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های آرایشی و بهداشتی، جراحی زیبایی، کنترل وزن و ... سنجیده می‌شود (حیدرزاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۹۱)؛ لذا تغییرات نگرش نسبت به بدن و بازنمایی آنچه از دوران نوجوانی در ساختار رشد شناختی افراد دیده می‌شود، امروزه در برخی جوامع، محور اولویت‌های زندگی افراد بخصوص در قشر جوان شده است. این اندیشه‌ها و نگرش‌ها قدمت تاریخی دارند و همواره در

نوع بشر به صورت میل به زیبایی و آرایش بدن وجود داشته است؛ از آن هنگام که قبل از عادت به پوشیدن لباس از رنگ برای پوشش بدن استفاده می‌کرد (پاری، ۲۰۰۸: ۲۰).

بریگیتز (۲۰۱۲) معتقد است که طغیان و عصیان زنان با استفاده از حضور بدن و واکنش‌های فرهنگی به آنها امری متقن است. در واقع مد مصرف الگویی است که در انسجام و هماهنگی با سلیقه حداقل یک گروه در دوره زمانی خاص و در یک مکان خاص باشد. مد، برخلاف «سبک» که یک پدیده فردی است، جمعی و اجتماعی است و جنبه تازگی و جدید بودن همواره آن را با نشانه‌ای خاص به استفاده‌کنندگان از یک سو و به جامعه از سوی دیگر تحمیل می‌کند. مد از دو کارکرد زیبایی و تزئینی و ارتباطی بهره‌مند است و به همین علت بعد اجتماعی را با خود دارد. پس باید دید که رایج شدن انواع مدها در هریک از مقاطع زمانی در فضای جامعه، که سبب می‌گردد لباس‌ها و پوشش‌های خاص مورد استفاده قرار گیرند، چه تأثیر کارکردی بر افراد دارد؛ از سوی دیگر همین مد مطیع و پیرو بدن است تا به کمک آن خود را نمایان سازد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۶: ۳۱). پس مد یک پدیده اجتماعی - فردی و یک نظام ارتباطی - معنایی است (دانش و فروزنده، ۱۳۹۷: ۶۶). یکی از مهمترین سازه‌های روان‌شناختی که خاستگاه یکپارچه‌سازی علل فطری و محیطی دارد، شخصیت انسانی است که در مجموع ویژگی‌های روانی است که در فرد به صورت پایدار وجود دارد و بر رفتار و تفکر تأثیرگذار است یا به عبارتی، شخصیت افراد ترکیبی از ویژگی‌های روانی است که ما برای مشخص کردن آن شخصیت در طبقه‌بندی به کار می‌بریم (دهقان اردکانی و مصطفوی راد، ۱۳۹۸: ۴۵). به این ترتیب صفات واحدهای اصلی شخصیت را تشکیل می‌دهند و آمادگی گسترده‌ای برای پاسخگویی به طریقی خاص دارند. الگوی نظری پنج عاملی در شخصیت مبنای زیستی، تمایلات اصلی و رشد این تمایلات، مستقل از تأثیرات محیطی (رسش درونی) بر اصول اساسی نظریه صفات تأکید دارد. بنا بر این نظریه، افراد را می‌توان در قالب الگوهای نسبتاً پایدار تفکر، احساس و اعمال توصیف کرد و آنها را در قالب برخی صفات که نوعی ثبات بین موقعیتی دارند،

اندازه‌گیری نمود شواهدی در مورد ساختار کلی صفات و سطوح آن وجود دارد، تفاوت‌های فردی در این ثبات دیده می‌شود و محدودیت تأثیرات محیطی بر رشد شخصیت و تغییر امری است که در آینده باید تعیین شود. بر مبنای این تعریف گروهی از صاحب‌نظران در دانشگاه فلوریدا در ایالات متحده در سال ۲۰۱۹ به بررسی رابطه سنخ شخصیت که می‌تواند نگرش‌هایی را نسبت به وزن بدن شکل دهد، پرداختند. در این رابطه آنها سلطه نسبی پنج سنخ شخصیت را که در مجموع الگوی پنج عاملی شخصیت را می‌سازد، در نگرش نسبت به بدن در افراد مورد توجه قرار دادند و دریافتند که اثر معنی‌داری بر نگرش فرد نسبت به چاقی و نسبت به زن و تمایل او به پرداختن به صحبت در مورد تبعیضات ناشی از چاقی دارد (خضری، ۱۳۹۲: ۸۳).

در جامعه امروز ایران و در میان زنان ایرانی، بخصوص در شهرهای بزرگ، دگرگونی در ارزش‌ها و نگرش‌های فرهنگی با محوریت تصویر بدن مشاهده می‌شود. آمارهای پزشکی قابل تأملی از جراحی‌های زیبایی نظیر تغییر فرم بینی، چربی‌برداری موضعی یا ساکشن در نواحی مختلف بدن یا کل بدن یا انجام جراحی‌های پرهزینه برای لاغری نظیر نصف‌کردن حجم معده وجود دارد که نشان می‌دهد خودانگاره فرهنگی زنان جامعه، از یک لایه سطحی یا متوسط، یعنی توجه به مد و پوشش علی‌رغم حفظ حجاب یا لباس‌های مورد استفاده در مجامع خصوصی، به لایه‌های عمیق‌تری نظیر دستکاری بدن تغییر مسیر داده است که در باب هریک از تدابیر مداخله‌ای مذکور برای تغییر خودانگاره بدن ملاحظاتی در عمل از نظر بهداشت و سلامتی در جامعه پزشکی تصریح شده است (محمدی نصرآبادی و همکاران، ۱۳۸۳: ۲۶۲). اگرچه مالکیت بدن در مواردی از نظر قانونی و احتمالاً حقوقی بر عهده خود فرد است؛ اما در بستر تحولات و روابط اجتماعی می‌تواند تغییردهنده و اشاعه‌دهنده ارزش‌های بیگانه با معیارها و باورهای فرهنگی نزد صاحب‌نظران فرهنگی و تأمین بهداشت روانی جامعه باشد که غالباً گواهی بر سیطره فرهنگی خطیر است که ارزش‌های عمیق را در نگرش‌های زنان و غالباً مردان جوان و میانسال نسبت به اهداف متعالی زندگی در هم می‌نوردد و آنها را دستمایه برخی از معیارهای ظاهری و سطحی می‌سازد، ضمن اینکه رفتارهای خطرناک را نزد گروه جوان در رابطه با یافتن ظاهر بدنی دلخواه و مطابق مد روز

جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد. انجام پژوهش‌هایی نظیر پژوهش فعلی می‌تواند راهکارهایی را در جهت شناسایی زوایای روان‌شناختی مؤثر در ظهور و تقویت پدیده دستکاری ظاهر بدن و تغییر خودانگاره بدنی در افراد، بخصوص زنان جوان چاق ارائه دهد؛ بنابراین تحقیق حاضر به دنبال پاسخگویی به این سؤال است که آیا ویژگی‌های شخصیتی و نگرش به مد با نگرش به بدن در زنان چاق ۲۵ تا ۵۰ ساله شهر ایلام، رابطه معنادار دارد؟

مبانی و چارچوب نظری ویژگی‌های شخصیتی

دیدگاه روانکاوی: این دیدگاه مبتنی بر این تصور است که شخصیت مجموعه‌ای از نیروهای درونی را دربرمی‌گیرد که با هم رقابت می‌کنند و گاه با یکدیگر در تعارضند. اینکه رفتار چگونه از این پویایی درونی پایدار می‌شود، کانون توجه این دیدگاه را تشکیل می‌دهد. از این دیدگاه انسان مجموعه‌ای از فشارهای درونی را که گهگاه با هم عمل می‌کنند و گهگاه با هم در جنگ هستند دربردارد.

بر طبق نظر فروید^۱، شخصیت از خلال پنج مرحله روانی - جنسی تحول می‌یابد. در یک جریان نموافتگی بهنجار، هر مرحله روانی جنسی راهی به سوی مرحله بعد می‌گشاید و فرد را با یک توالی از چالش‌های نموافتگی مواجه می‌گرداند. در نمای روان‌پوشی، شخصیت معنای فنی دارد و به شیوه‌ای اطلاق می‌شود که در آن من بر حسب عادت فشارهای نهاد، فرامن و محیط را برآورده می‌سازد. در کل برای فروید، شخصیت، یک جنگ فرسایشی توسط سه ژنرال به نام‌های نهاد، من و فراخود است (شولتر^۲ و شولتز، ۱۳۸۶: ۲۹۲).

دیدگاه پدیدارشناختی: رویکرد پدیدارشناختی در مطالعه شخصیت شامل چندین نظریه است که به رغم تفاوت‌هایی که با یکدیگر دارند، وجه مشترک آنها این است که بر تجربه‌های خصوصی فرد درباره جهان تأکید می‌کنند. در این دیدگاه نحوه ادراک و تفسیر فرد از حوادث مورد توجه قرار می‌گیرد و شامل نظریه‌هایی است که گاه انسان‌گرا شناخته

می‌شوند؛ زیرا در آنها بر خصوصیات تأکید می‌شود که متمایزکننده انسان از حیوان هستند، مانند خودفرمانی و آزادی انتخاب. گاهی هم از آنها به عنوان نظریه‌های خویشتن یاد می‌شود، چون با تجربه‌های خصوصی و درونی فرد که در مجموع احساس بودن را در او می‌آفرینند، سر و کار دارند (تکینسون^۱ و همکاران، ۱۳۷۵: ۳۰۲).

دیدگاه انسان‌گرایی: انسان‌گرایی، نظامی فکری است که در آن تمایلات و ارزش‌های انسان در درجه اول اهمیت قرار دارند. این رویکرد که با کارهای مازلو^۲ و راجرز^۳ نشان داده شده است، بر توانمندی‌ها و آرزوهای انسان، اراده و تحقق بخشیدن به استعدادهای او تأکید می‌ورزد. در این دیدگاه، مشخصات شخص کامل که اوج روانی را نشان می‌دهد، عبارتند از: آگاهی از تمام تجربه‌های خود، اعم از مثبت و منفی، توانایی زندگی کردن کامل در هر لحظه، اعتماد به رفتارها و احساسات خود، احساس آزادی انتخاب و قدرت شخصی، نیاز مستمر به رشد، تلاش و به حداکثر رساندن توانش خود و خلاقیت و خودانگیختگی (شاکری و همکاران، ۱۳۸۴: ۲۴۹).

نگرش به بدن

مدیریت بدن به معنای نظارت بر ویژگی‌های ظاهری و مرئی بدن و دستکاری مستمر آنهاست. این مفهوم به کمک معرف‌های تمایل به داشتن تناسب اندام و کنترل وزن از طریق ورزش، رژیم غذایی و دارو، دستکاری‌های پزشکی در نقاط مختلف بدن جهت زیبایی مانند جراحی بینی و پلاستیک و میزان اهمیت دادن به مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی، استحمام روزانه، آرایش مو، آرایش یا اصلاح صورت، استفاده از عطر و ادکلن، آرایش ناخن و استفاده از لنز رنگی، به‌ویژه برای بانوان به یک شاخص تجملی تبدیل شده است (ارمکی و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۲۲).

نظریه گیدنز

با فرارسیدن عصر جدید، بعضی از انواع نماهای ظاهری و کردارهای بدنی

اهمیتی خاص می‌یابند. در بسیاری از عرصه‌های فرهنگی ماقبل جدید، نمای ظاهری بدن به طور کلی تابع استانداردهای مبتنی بر معیارهای سنتی بود. طرز آراستن چهره و انتخاب لباس همیشه تا اندازه‌ای وسیلهٔ ابراز فردیت بوده است (گیندز، ۱۳۸۵: ۸۷).

از نظر گیندز: «خودآرایی و تزیین خویشتن با پویایی شخصیت مرتبط است. در این معنا پوشاک علاوه بر آنکه وسیلهٔ مهمی برای پنهان‌سازی یا آشکارسازی وجوه مختلف زندگی شخصی است، نوعی وسیلهٔ خودنمایی نیز محسوب می‌شود؛ چراکه لباس آداب و اصول رایج را به هویت شخصی پیوند می‌زند» (همان: ۹۵). به اعتقاد او حالات چهره و دیگر حرکات بدن فراهم‌آورندهٔ قرائن و نشانه‌هایی است که ارتباطات روزمرهٔ ما مشروط به آنهاست؛ به عبارت دیگر، برای اینکه بتوانیم به طور مساوی با دیگران در تولید و بازتولید روابط اجتماعی شریک شویم، باید قادر باشیم نظارتی مداوم و موفقیت‌آمیز بر چهره و بدن خویش اعمال کنیم. از نگاه وی: «واقعیت این است که ما بیش از پیش مسئول طراحی بدن خویش می‌شویم و هرچه محیط فعالیت‌های اجتماعی ما از جامعهٔ سنتی بیشتر فاصله گرفته باشد، فشار این مسئولیت را بیشتر احساس می‌کنیم» (همان).

در تحقیق حاضر، برای متغیر ویژگی‌های شخصیت از نظریهٔ دیدگاه روانکاوی، به دلیل اینکه مجموعه‌ای از نیروهای درونی را در بر می‌گیرد و ویژگی‌های درونی فرد را بررسی می‌کند، از نظریهٔ پدیدارشناختی، به این علت که بر تجربه‌های خصوصی فرد دربارهٔ جهان تأکید می‌کند و محیط بیرونی و برون‌گرایی انسان را محور قرار داده است و از دیدگاه انسان‌گرایی، به این دلیل که خود انسان و تمایلاتش را در رأس همهٔ امور می‌داند استفاده شده است. متغیرهای دیگر تحقیق، تنها حول محور خود انسان و تمایلاتش می‌چرخند؛ اما برای متغیر مستقل در تحقیق حاضر از ترکیب سه نظریهٔ مذکور استفاده گردیده و بر اساس این سه نظریه، اساس متغیر مستقل بنا نهاده شده است. برای متغیر مدیریت بدن نیز از نظریهٔ گیندز استفاده شده است؛ چون وی معتقد است که خودآرایی و تزیین خویشتن با پویایی شخصیت ارتباط دارد و انواع نماهای ظاهری و کردارهای بدنی اهمیتی خاص به انسان می‌دهند. جامع‌تر بودن این نظریه و برقراری ارتباط بهتر با دیگر متغیرها یکی دیگر از دلایل استفاده

از نظریه گیدنز است. با توجه به مبانی نظری تحقیق حاضر، فرضیه‌های تحقیق به شرح ذیل می‌باشد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه ۱: بین ویژگی شخصیتی برون‌گرایی - درون‌گرایی و نگرش به بدن در میان زنان چاق ۲۵ تا ۵۰ ساله شهر ایلام، رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۲: بین ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری - ثبات و نگرش به بدن در میان زنان چاق ۲۵ تا ۵۰ ساله شهر ایلام، رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۳: بین نگرش به مد با نگرش به بدن در میان زنان چاق ۲۵ تا ۵۰ ساله شهر ایلام، رابطه معنادار وجود دارد.

فرضیه ۴: بین ویژگی‌های فردی و اجتماعی (وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، تحصیلات) و نگرش به بدن در بین زنان ۲۵-۵۰ ساله شهر ایلام، رابطه معنادار وجود دارد.

مروری بر پیشینه پژوهش

رقیبی و میناخانی (۱۳۹۰) در پژوهشی که با عنوان «بررسی ارتباط بین مدیریت بدن با تصویر بدنی و خودپنداره» در بین دانشجویان دانشگاه سیستان و بلوچستان انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که بین مدیریت بدن و مؤلفه‌های تصویر بدنی، ارزیابی وضع ظاهری، گرایش به ظاهر، ارزیابی تناسب و گرایش به تناسب، ارتباط منفی و با رضایت از نواحی بدن، ارتباط مثبت معناداری وجود دارد. یافته‌های این پژوهش به نقش تصویر بدنی و خودپنداره در رفتارهای مدیریت بدن افراد تأکید دارد.

اخلاصی (۱۳۸۵) در تحقیقی که با عنوان «مدیریت بدن و رابطه آن با پذیرش اجتماعی بدن» در بین زنان شهر شیراز انجام داد، به نتیجه رسید که میزان بالای توجه زنان به بدن در همه وجوه آن، اعم از آرایشی و مراقبت، بالاتر از حد میانگین است؛ همچنین بین متغیرهای مصرف رسانه‌ای، پذیرش اجتماعی بدن، پایگاه‌های اجتماعی بدن و پایگاه اقتصادی - اجتماعی با مدیریت بدن، رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

تونسی^۱ (۲۰۰۴) در پژوهش خود با عنوان «زیبایی نقادانه» که در آن به بررسی ۳۲۰۰ زن در گروه سنی ۱۸ تا ۶۴ سال از ۱۰ کشور جهان پرداخته است نشان داد که ۴۴ درصد از زنان باور دارند که زیبایی مقوله‌ای فراتر از ویژگی‌های جسمانی است و زنان مفهوم زیبایی را به عنوان ویژگی‌های جسمانی ذاتی، امری کهنه و منسوخ می‌دانند؛ در عوض، موقعیت‌ها و تجربیات را عامل توانمندساز در احساس زیبایی در نظر می‌گیرند. از دیگر نتایج تحقیق او این است که ۲۱ درصد از زنان با خرید محصولات زیبایی و ۱۷ درصد از آنان با نگاه کردن به مجلات مد، زیبایی را تجربه می‌کنند.

گیملین^۲ (۲۰۰۶)، تحقیقی با عنوان «پروژه بدن غایب، جراحی پلاستیک، پاسخی به چهره‌های بدمنظر» انجام داد. وی در این بررسی، به مدت ۴ ماه با ۲۰ نفر از زنانی که عمل جراحی آرایشی انجام داده‌اند، مصاحبه کرد. همه مصاحبه‌شوندگان سفیدپوست و ساکن جنوب غرب انگلستان بودند، گروه سنی آنان بین ۲۳ تا ۵۰ سال بود و همگی به صورت پاره‌وقت یا تمام‌وقت شاغل بودند. نتایج به دست آمده از بررسی مذکور، حاکی از آن است که توسل به جراحی زیبایی، پس از چندین مرتبه تلاش در به‌کارگیری رویکردهای عملی گوناگون به منظور از بین بردن تجربیات بدنی مشکل‌ساز اتفاق افتاده است؛ بدین معنا که زنان پس از اینکه از اصلاحات مورد نظر در صورت و اندام‌های خود ناامید شده‌اند، تصمیم به انجام اعمال جراحی زیبایی گرفته‌اند (گیملین، ۲۰۰۶: ۷۰۴).

بیشتر تحقیقات داخل و خارج از کشور، حول محور و بعد روان‌شناختی انجام شده‌اند. در تحقیق حاضر نیز محققان، هم بعد روان‌شناختی و هم بعد اجتماعی را مد نظر قرار داده و ویژگی‌های دموگرافی نمونه مورد مطالعه را با متغیر وابسته تحقیق مقایسه کرده و نتایج را بیان نموده‌اند که این در نوع خود تولید علم جدیدی نسبت به تحقیقات پیشین به حساب می‌آید.

1. Toni
2. Gimlin

روش‌شناسی

طرح پژوهش: طرح پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش، توصیفی-پیمایشی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری: جامعه آماری این پژوهش را کلیه زنان شهر ایلام که بر اساس نظر پزشک در ارزیابی توده بدن، چاق تشخیص داده شده و جهت تشخیص اختلالات روان‌شناختی به درمانگران مراکز بالینی معرفی شده‌اند، تشکیل می‌دهند.

روش نمونه‌گیری و گروه نمونه: روش نمونه‌گیری و تعیین حجم نمونه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس بود؛ زیرا پژوهشگران به طور همزمان به ۱۰۰ نفر از زنان چاق بنا بر شاخص مذکور در یک مکان دسترسی نداشت و لازم بود پرسشنامه‌ها را به چند مرکز بالینی دیگر جهت تکمیل توسط زنانی که چاق تشخیص داده شده بود، ارسال کنند تا همکارانش آنها را در اختیار مراجعان قرار دهند. ارائه پرسشنامه‌ها تا آن هنگام بود که ۱۰۰ پرسشنامه تکمیل شده و بی‌نقص در اختیار پژوهشگر قرار گرفت.

ابزار پژوهش

۱. پرسشنامه شخصیتی آیسنک

پرسشنامه شخصیتی آیزنک در سال ۱۹۶۳ جهت شناسایی برخی جنبه‌های شخصیت، از جمله: درون‌گرایی و برون‌گرایی؛ همچنین پی‌بردن به برخی از اختلالات شخصیتی همچون: روان‌گسستگی، جامعه‌ستیزی، روان‌آزدگی و دروغ‌پردازی برای انواع گروه‌های سنی ساخته شد. در این پرسشنامه، ۳۷ سؤال درباره رفتار و احساسات مختلف وجود دارد. مقیاس‌ها به تیپ‌های شخصیتی درون‌گرایی- برون‌گرایی و روان‌رنجوری - ثبات مربوط می‌شود. در عامل برون‌گرایی، نمره بالاتر از ۱۲ بیانگر فردی با صفات اجتماعی، دارای دوستان زیاد و طالب هیجان است؛ در مقابل فرد درون‌گرا، آرام در خود فرورفته، خوددار و دارای زندگی با نظم و قاعده است. در عامل گسسته‌گرایی، نمره بالاتر از ۵ بیانگر فردی منزوی، بی‌احساس، تکانشی و خودمحور می‌باشد. به منظور تعیین اعتبار و روایی

1. body mass index (BMI)

این پرسشنامه، آیسنک آن را بر روی گروه واحد در دو زمان اجرا کرد. ضریب اعتبار آن برای مردان در عامل درونگرایی ۰/۷۸، عامل برون گرایی ۰/۹۰ و عامل روان رنجوری ۰/۸۸ است. این مقادیر در زنان به ترتیب برابر ۰/۷۲، ۰/۸۵، ۰/۷۹ می باشد (آیزنک، ۱۳۷۰: ۴-۵). ضریب پایایی و روایی آن در نمونه ایرانی توسط عطاری (۱۳۸۸) بررسی شد که بر اساس آن، پایایی هر یک از مقیاس های برون گرایی برابر با ۰/۹۲، روان رنجوری برابر با ۰/۸۹، روان گسسته گرایی برابر با ۰/۷۲ است که نشان دهنده پایایی خیلی خوب می باشد. مقادیر روایی سازه (تحلیل عاملی تأییدی) نیز به ترتیب ۰/۶۶۱، ۰/۷۴۳ و ۰/۷۰۲ است که نشان دهنده اعتبار بسیار بالا و قابل قبول مقیاس های مذکور می باشد (عطاری، ۱۳۸۸: ۴۶-۴۸).

۲. پرسشنامه نگرش به مد

پرسشنامه نگرش به مد توسط صفاری نیا، کرمانی و عزیزی (۱۳۹۱) بر اساس نگرش به سه حیطه شناختی، عاطفی و رفتاری دیدگاه آلپورت (۱۸۹۷) و نظریه جورج سیمل (۱۹۷۱) طراحی گردیده و بر روی ۴۵۷ دانشجوی کارشناسی دانشگاه های ایلام اجرا شده است. این پرسشنامه که از نوع مداخله کاغذی و خود گزارش دهی است، مشتمل بر ۲۲ گویه می باشد. نمره گذاری گویه ها بر اساس مقیاس لیکرت پنج درجه ای به صورت کاملاً موافق=۵، موافق=۴، نظری ندارم=۳، مخالف=۲، کاملاً مخالف=۱ انجام می شود؛ بنابراین حداقل و حداکثر نمره کسب شده از این پرسشنامه به ترتیب برابر ۲۲ و ۱۱۰ خواهد بود. در پژوهش صفاری نیا (۱۳۹۱)، پایایی پرسشنامه با استفاده از روش بازآزمایی ۰/۸۶ و با استفاده از روش ضریب همسانی درونی برای کل پرسشنامه ۰/۸۶ به دست آمد که میزان رضایت بخشی است. نتایج پژوهش نیز با استفاده از روایی تحلیل عاملی تأییدی به دست آمد و شاخص های برازش نیکویی نشان از اعتبار بالای این پرسشنامه داشت.

۳. آزمون تصویر تن فیشر

آزمون تصویر تن در سال ۱۹۷۰ توسط فیشر ساخته شد و ۴۶ ماده دارد. حیطه های مورد سنجش در این آزمون، شامل سر و صورت با ۱۲ ماده،

اندام‌های فوقانی با ۱۰ ماده و اندام‌های تحتانی با ۶ ماده است. ۱۸ ماده دیگر، نگرش آزمودنی را نسبت به ویژگی‌های کلی بدن می‌سنجد. هر ماده ارزشی بین ۱ تا ۵ (خیلی ناراضی=۱، ناراضی=۲، متوسط=۳، راضی=۴، خیلی راضی=۵) دارد. برای به دست آوردن نمره تصویر فرد از تنش نمره گویه‌ها با هم جمع می‌شود. کسب نمره ۴۶ در این آزمون، نشان‌دهنده اختلال و نمره بالاتر از ۴۶ (حداکثر ۲۳۰) نشان‌دهنده عدم اختلال است.

اعتبار این آزمون توسط یزدان‌جو (۱۳۹۷) در ایران مورد بررسی قرار گرفت. وی به این منظور، ۹۹ نفر از دانش‌آموزان پایه اول، دوم و سوم دبیرستان را انتخاب کرد و به فاصله زمانی ۱۰ روز، مورد آزمون و آزمون مجدد قرار داد که نتایج آن به ترتیب برای دانش‌آموزان سال اول ۸۱٪ و دانش‌آموزان سال دوم ۸۴٪، دانش‌آموزان سال سوم ۸۷٪ و جمع دانش‌آموزان ۸۴٪ می‌باشد (نظریور و خزایی، ۱۳۹۱: ۳۴۷).

عسگری و همکاران (۱۳۹۳) پایایی پرسشنامه تصویر بدنی را با دو روش آلفای کرونباخ و تصنیف به ترتیب ۰/۹۳ و ۰/۹۱ توسط گزارش کرده‌اند.

روش اجرا

برای اجرای پژوهش، سه ابزار پژوهش به تعداد ۱۰۰ عدد تکثیر شد و به طور همزمان جهت تکمیل و به دست آوردن داده‌های خام در اختیار گروه نمونه پژوهش قرار گرفت. پرسشنامه‌ها پس از تکمیل توسط ۱۰۰ نفر از زنان ۲۵ تا ۵۰ سال جمع‌آوری گردید و بر اساس مقیاس نمره‌گذاری شد. از داده‌ها جهت محاسبات آمار توصیفی (شاخص‌های پراکندگی، شامل فراوانی و درصد)، آزمون ضریب همبستگی پیرسون، آزمون مقایسه میانگین و آزمون تحلیل واریانس جهت آزمودن فرضیه‌های تحقیق استفاده شده است.



یافته‌ها

جدول شماره (۱). آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	فراوانی	درصد
برون‌گرایی	۴۱	۰/۴۱
درون‌گرایی	۲۴	۰/۲۴
روان‌رنجوری	۲۲	۰/۲۲
ثبات	۹	۰/۹
کل	۱۰۰	۰/۱۰۰
نگرش به مد	۹۴	۰/۱۰۰
نگرش به بدن	۹۴	۰/۱۰۰

نتایج جدول شماره ۱ نشان می‌دهد که ۴۱ درصد پاسخ‌دهندگان ویژگی برون‌گرایی و ۲۴ درصد ویژگی درون‌گرایی دارند. ۲۲ درصد نیز دارای ویژگی روان‌رنجوری و ۹ درصد دارای ویژگی ثبات هیجانی هستند.

جدول شماره (۲). میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	تعداد	میانگین	انحراف معیار	دامنه تغییرات
برون‌گرایی	۴۱	۴۷/۰۹	۵/۶۱	۷
درون‌گرایی	۲۴	۱۵/۰۱	۴/۲۲	۱۴
کل	۵۹	۳۰/۸۴	۱۱/۱۴	۲۲
روان‌رنجوری	۲۲	۱۵/۵۸	۱/۸۶	۵
ثبات	۹	۶/۸۲	۳/۳۰	۶
کل	۳۵	۱۰/۷۰	۴/۲۳	۱۲
نگرش به مد	۹۴	۵۳/۱۳	۳/۵۱	۵
نگرش به بدن	۹۴	۳۳/۶۱	۳/۲۴	۱۰

بر اساس یافته‌های جدول شماره ۲، مقدار میانگین و انحراف معیار مؤلفه‌های ویژگی درون‌گرایی و ویژگی بیرون‌گرایی به ترتیب ۳۰/۸۴ و ۱۱/۱۴ و مؤلفه‌های روان‌رنجوری و ثبات به ترتیب ۱۰/۷۰ و ۴/۲۳ محاسبه شد؛ بنا بر ارزش برتر میانگین مؤلفه‌های بعد درون‌گرایی و بیرون‌گرایی نسبت به سایر ویژگی‌های شخصیتی می‌توان دریافت که بیشترین اعضای گروه نمونه دارای این ویژگی‌های شخصیتی و سپس ویژگی‌های روان‌رنجوری و ثبات بوده‌اند. نگرش به مد به عنوان متغیر پیش‌بین با میانگین ۶۳/۱۳ و انحراف معیار ۱۰/۹۴ دیده شد. در نهایت متغیر نگرش به بدن نیز به عنوان متغیر ملاک با میانگین ۳۳/۶۱ و انحراف معیار ۱۸/۵۹ گزارش شد.

جدول شماره (۳). نتایج آزمون همبستگی پیرسون فرضیه‌های تحقیق

متغیرهای پژوهش	آماره آزمون	نگرش به بدن
درون‌گرایی بیرون‌گرایی	همبستگی پیرسون سطح معناداری تعداد	-۰/۲۶۱ ۰/۰۴۶ ۵۹
روان‌رنجوری	همبستگی پیرسون سطح معناداری تعداد	-۰/۱۹۳ ۰/۲۶۷ ۳۵
نگرش به مد	همبستگی پیرسون سطح معناداری تعداد	-۰/۰۰۲ ۰/۹۸۴ ۹۴

جدول شماره ۲ شاخص ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش و مؤلفه‌های آنها با یکدیگر را نشان می‌دهد:

- ضریب همبستگی بین ویژگی شخصیتی درون‌گرایی- بیرون‌گرایی به عنوان متغیر پیش‌بین با نگرش به بدن به عنوان متغیر ملاک، برابر با ۰/۲۶۱- بود که در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین دو متغیر، همبستگی کم، معکوس و معناداری وجود دارد و این نشان‌دهنده این است که هرچه نمره درون‌گرایی بالاتر رود، نگرش به بدن در این افراد بیشتر است و



برعکس؛ به عبارتی نگرش به بدن در افرادی که درونگرا هستند بیشتر از افراد برون‌گراست.

- بین ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری با متغیر نگرش به بدن، ضریب همبستگی $0/193-$ نشان داده شد که در سطح 95% معنادار نبود.

- بین نگرش به مد با نگرش به بدن، ضریب همبستگی $(-0/002)$ کم و معکوس نشان داده شد که آن هم در سطح اطمینان 95% معنادار نبود.

جدول شماره (۴). آزمون تفاوت میانگین نگرش به بدن بر اساس ویژگی‌های فردی و اجتماعی

Sig	T	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	متغیر	
0,000	4/821	15/30	42/33	36	مجرد	وضعیت تأهل
0,000		8/07	28/91	58	متأهل	
0,650	3/668	10/74	45/78	46	شاغل	وضعیت شغلی
0,520		11/80	45/22	48	بیکار	

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که تفاوت معناداری در وضعیت تأهل (مجرد یا متأهل بودن) پاسخ‌دهندگان در ارتباط با نگرش به بدن وجود دارد. میانگین نگرش به بدن در افراد مجرد ($42/33$) نسبت به افراد متأهل ($28/91$) خیلی بیشتر می‌باشد؛ همچنین بر اساس نتایج جدول بالا، تفاوت معناداری بین وضعیت شغلی (شاغل یا بیکار) پاسخ‌دهندگان در ارتباط با نگرش به بدن وجود ندارد. میانگین نگرش به بدن در افراد بیکار $45/22$ و در افراد شاغل $45/78$ است.

جدول شماره (۵). آزمون تحلیل واریانس نگرش به بدن بر اساس ویژگی‌های فردی و اجتماعی

Sig	F	انحراف معیار	میانگین	فراوانی	متغیر	تحصیلات
۰,۰۰۰	۲۴/۱۳۱	۱/۹۴	۹,۰۷	۴۱	ابتدایی	
۰,۰۰۰		۲/۵۵	۱۱,۱۵	۹۹	سیکل	
۰,۰۰۰		۲/۸۱	۱۸,۰۹	۶۳	دیپلم	
۰,۰۰۰		۳/۳۳	۳۶/۸۱	۸۴	فوق دیپلم	
۰,۰۰۰		۳/۲۸	۳۲,۵۷	۳۸	لیسانس	
۰,۰۰۰		۴/۹۷	۲۳,۴۶	۵۹	فوق لیسانس و بالاتر	

نتایج جدول بالا نشان می‌دهد که بین ارتباط داشتن تمام مقاطع تحصیلی و نگرش به بدن در بین افراد پاسخ‌دهنده، تفاوت معناداری وجود دارد؛ اما نتایج تحقیقات ما نشان می‌دهد که بالاترین نگرش در بدن بین مقاطع تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس و کمترین نگرش برای مقطع تحصیلی ابتدایی است.

بحث و نتیجه‌گیری

- ضریب همبستگی بین ویژگی شخصیتی درون‌گرایی - برون‌گرایی به عنوان متغیر پیش‌بین و نگرش به بدن به عنوان متغیر ملاک، برابر با ۰/۲۶۱- بود که در سطح آلفای ۰/۰۵ معنادار است؛ یعنی با ۹۵ درصد اطمینان می‌توان گفت بین دو متغیر، همبستگی کم، معکوس و معناداری وجود دارد و این نشان‌دهنده این است که هرچه نمره درون‌گرایی بالاتر رود، نگرش به بدن در این افراد بیشتر است و برعکس؛ به عبارتی نگرش به بدن در افرادی که درونگرا هستند بیشتر از افراد برون‌گراست.

- بین ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری با متغیر نگرش به بدن ضریب همبستگی ۰/۱۹۳- نشان داده شد که در سطح ۹۵٪ معنادار نبود.

- بین نگرش به مد با نگرش به بدن، ضریب همبستگی (۰/۰۰۲-) -

کم و معکوس نشان داده شد که آن هم در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نبود.

- بین ویژگی‌های فردی و اجتماعی (وضعیت تأهل، وضعیت شغلی، تحصیلات) و نگرش به بدن در بین زنان، رابطه معنادار و بین وضعیت تأهل (مجرد یا متأهل بودن) پاسخ‌دهندگان در ارتباط با نگرش به بدن، تفاوت معناداری وجود داشت. میانگین نگرش به بدن در افراد مجرد (۴۲/۳۳) نسبت به افراد متأهل (۲۸/۹۱) خیلی بیشتر بود. بین وضعیت شغلی (شاغل یا بیکار) پاسخ‌دهندگان در ارتباط با نگرش به بدن نیز تفاوت معناداری وجود نداشت. میانگین نگرش به بدن در افراد بیکار ۴۵/۲۲ و افراد شاغل ۴۵/۷۸ به دست آمد. در نهایت هم بین ارتباط داشتن تمام مقاطع تحصیلی با نگرش به بدن در بین افراد پاسخ‌دهنده، تفاوت معناداری وجود داشت و بالاترین نگرش به بدن بین مقاطع تحصیلی فوق دیپلم و لیسانس و کمترین نگرش به بدن برای مقطع تحصیلی ابتدایی بود؛ به این ترتیب فرضیه ۱ پژوهش تأیید شد که این یافته با یافته‌های پژوهشی مک نیل و همکاران (۲۰۱۷)، دهقان اردکانی و مصطفوی راد (۱۳۹۸) و سیدصالحی و دشت بزرگی (۱۳۹۷)، همسو و با یافته‌های پژوهش میکاییلی و همکاران (۱۳۹۱) ناهمسو است. در بیان استدلال یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت ویژگی شخصیتی برون‌گرایی به بیشترین میزان در مقایسه با دیگر ویژگی‌های شخصیتی با نگرش به بدن افراد ارتباط دارد؛ زیرا افراد برون‌گرا به دلیل برخورداری از قابلیت برقراری تعاملات اجتماعی با دیگران، قادر به جذب دوستی‌ها، عضویت در گروه‌های اجتماعی و مشارکت در فعالیت‌های مطلوب نظر خویش هستند که این شرایط فرصت مقایسه آنان با دیگران را از هر جهت بخصوص از نظر خصوصیات ظاهری بدن فراهم می‌آورد؛ در واقع این ویژگی‌های شخصیتی بیشتر با نگرش به بدن افراد ارتباط دارد؛ زیرا افراد برون‌گرا در زندگی بیشتر به دنبال لذت‌جویی هستند و ضمن تخلیه هیجانات منفی خویش در روابط اجتماعی، قادر به ارائه مشارکت خویش در فعالیت‌های جذاب و لذت‌بخش اجتماعی، دوستی و صمیمیت‌های مستمر و تأیید حتی بی‌ثبات می‌باشند. این تحلیل در بعد فردی است؛ اما نظر به تغییر الگوهای فرهنگی متأثر از تحریکات فضاهای رسانه‌ای که برای تشویق افراد، بخصوص زنان جوان برای کسب جذابیت‌های مفرط در مسیر مثبت‌اندیشی

درباره خود و افزایش عزت نفس کاذب صورت گرفته است، امروزه روانشناسان اجتماعی و مشاوران، شاهد این نمونه‌های سطحی نزد نسل جوان برای هرچه بیشتر برآزاندن خود نزد دیگران و مقایسه خود با آنها هستند.

- این تغییر ارزش‌های فرهنگی از عمیق به سطحی، به تدریج در تمام زوایای زندگی فردی و جمعی ایرانیان بازتاب یافته که یافته‌های پژوهش کنونی نیز تأییدی بر این ادعاست.

آزمون فرضیه ۲ پژوهش؛ یعنی بین ویژگی شخصیتی روان‌رنجوری- ثبات و نگرش به بدن در میان زنان چاق رابطه وجود دارد، تأیید نشد. این یافته نیز با یافته پژوهش‌های میکاییلی و همکاران (۱۳۹۱) و مک نیل و همکاران (۲۰۱۷) همسو و با یافته پژوهش دهقان اردکانی و مصطفوی راد (۱۳۹۸) ناهمسو است. در تبیین این نتیجه می‌توان گفت که روان‌رنجوری با مؤلفه‌هایی همچون افسردگی، اضطراب، پرخاشگری و تکانشگری رابطه دارد که این موارد خود بر نگرش افراد تأثیر منفی می‌گذارند و با ایجاد منفی‌نگری، بر برداشت‌ها و استنباط‌های شخصی تأثیر نامطلوب دارند. این افراد به دنبال اندیشیدن و توجه به ظاهر بدنی خویش برای کسب جذابیت از نگاه خود و دیگران نیستند و به واسطه مشکلات عاطفی خود توجه و تمرکز چندانی نسبت به اندام خود ندارند. اگرچه اغلب نیز نگرش‌های منفی‌تری نسبت به چاقی خود داشته باشند، هراس از افزایش وزن دارند و به نحو منفی‌تری در مورد بدن دوستان و کودکان اطرافشان صحبت می‌کنند و به احتمال بیشتری تبعیضات ناشی از وزن را درک می‌نمایند. مشکلات عاطفی آنها در موارد دیگران بدان حد شدید است که شماری از پژوهشگران معتقدند رابطه‌ای قوی بین شخصیت و وزن بدن وجود دارد؛ به نحوی که افرادی که در پرسشنامه شخصیت، نمره بالایی را در بعد وظیفه‌شناسی به دست می‌آورند تمایل به برخورداری از حداقل وزن دارند، به میزان کم زنان چاق را تحمل می‌کنند و احساسات منفی در مورد بدن‌های خود دارند. در بیان شواهدی دیگر راو (۲۰۰۶) نشان داد زنانی که به نظر دیگران نسبت به ایده‌آل بودن زنان لاغر حساس هستند، نسبت به زنانی که این حساسیت را ندارند، احساس نارضایتی بیشتری از بدن خود دارند و خودارزشمندی پایین‌تری را تجربه

می‌کنند. اگرچه ادراک بانوان از شکل کنونی بدن خود معمولاً با شکل ایده‌آل آنها تفاوت دارد و این موضوع در کلیه گروه‌ها صادق است، آنها نشان داده‌اند که هرچه فاصله بین تصور فرد از بدن ایده‌آل با بدن واقعی آنها بیشتر باشد، نارضایتی آنها از تصویر بدنی‌شان بیشتر است و عزت نفس پایین‌تری را تجربه می‌کنند و بیشتر اذیت می‌شوند. بر اساس نتایج حاصل از تحقیقات جنیفر و همکاران (۲۰۰۶) در آمریکا، اختلال در تصویر بدنی منجر به ایجاد ابعادی از مشکلات شناختی، رفتاری و سلامتی می‌شود. آنچه اشاره شد مؤید یافته‌های این پژوهش به‌ویژه تأیید فرضیه ۱ پژوهش و رد فرضیه ۲ است.

در آزمون فرضیه سوم پژوهش، بین نگرش به مد و نگرش به بدن در میان زنان چاق رابطه وجود دارد. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان داد که فرضیه مزبور تأیید نشد. این یافته نیز با یافته پژوهش سوامی و همکاران (۲۰۰۸)، همسو و با یافته پژوهش‌های فاردولی و همکاران (۲۰۱۵)، جورجیا و همکاران (۲۰۰۷) و نصرآبادی و همکاران (۱۳۸۳) ناهمسو است. نتایج تحقیق سوامی و همکاران (۲۰۰۸) نشان داد که میان استفاده از رسانه‌ها (تشویق نگرش نسبت به مد) و تصور از بدن، رابطه معکوسی وجود دارد؛ به این معنی که هرچه مصرف رسانه‌ای بالاتر باشد رضایت از بدن کاهش می‌یابد. اسپیمالز (۲۰۱۰) نیز نشان داد افرادی که اضافه‌وزن دارند و از شکل بدنی خود ناراضی هستند، به علت حس تنفر نسبت به بدن خود اغلب از پایبندی به رعایت مد و انگاره‌های مقطعی در این زمینه اعراض می‌کنند.

اگرچه مستندات مزبور به طور کلی بر وجود رابطه بین نگرش به مد و نگرش به بدن دلالت دارند؛ اما این اطلاعات در پژوهش فعلی با ۹۵٪ اطمینان در مورد زنان چاق ۲۵-۴۰ در شهر ایلام تأیید نشد.

جهان صنعتی و نیمه‌صنعتی امروز با تغییر معیارها و ارزش‌های فرهنگی، بخصوص در مورد جنس زن به موازات مصرف‌گرایی گریزناپذیر برای رشد سرمایه، توجه افراد را به یک سبک زندگی متفاوت در چند دهه اخیر معطوف نموده که ویژگی بارز آن توجه به ظواهر، علاقه به مصرف، کمال‌گرایی غیرانطباقی و مقایسه اجتماعی خود با دیگران است. این تغییرات سبک زندگی با ایجاد عادت‌واره‌های جدید در نظام‌مندی اقتصادی و اجتماعی جهان توسط رسانه‌های جمعی ایجاد و

تقویت می‌شود. آنها الگوهای ظاهر بدن، مد، سلیقه‌ها و اولویت‌ها را در سبک زندگی کشورها به مبادله می‌گذرانند. نگرش به بدن همواره نزد افراد، بخصوص نزد زنان مطرح بوده است، بخصوص زنانی که بیشتر در اجتماعات تحصیلی، شغلی یا خانوادگی حضور می‌یابند و به بیان دیگر، از ویژگی شخصیتی برون‌گرایی یا درون‌گرایی برخوردارند. آنانی که برون‌گرا هستند غالباً سعی دارند عیوب ظاهری خود را ترمیم و اصلاح کنند و به اقدامات اجتماعی و پزشکی دست بزنند تا با رفع معایب بهتر بتوانند با جامعه مطلوب نظر خود ارتباط برقرار کنند. درون‌گرایان با تغییر سبک لباس پوشیدن، به نحوی که معایب را به حداقل ظاهر سازند، به واپس‌زنی عیوب ظاهری خود اقدام می‌کنند؛ در هر صورت این ویژگی شخصیتی با نگرش به بدن در افراد رابطه معنادار دارد. بنا بر یافته‌های این پژوهش به نظر می‌رسد که افراد روان‌رنجور به دلیل دغدغه‌های ذهنی خویش و تجربه مشکلات و اختلالات روان‌شناختی نظیر اضطراب، افسردگی و اغلب انزوای طلبی، نسبت به ظاهر بدن چاق خود بی‌توجه هستند. به این ترتیب مسئله بدن و تصور از آن، به ارزش‌ها و فرهنگ اجتماع برمی‌گردد؛ با افزایش سرمایه فرهنگی، افراد تمایل بیشتری به مدیریت بدن خود می‌یابند، تفکر خودکنترلی در آنها پرورش می‌یابد و تشویق می‌شوند تا با استفاده از راهبردهای ابزاری به مدیریت بدن خود بپردازند و همواره بدنشان را به عنوان پروژه‌ای در دست اقدام بدانند. یافته‌های این پژوهش در مورد رابطه بین نگرش به مد و نگرش به بدن، حاکی از عدم وجود یک رابطه معنادار بین دو متغیر پیش‌بین و ملاک در میان زنان چاق ۲۵ تا ۵۰ ساله در جامعه ایران است. با وجود اینکه به طور کلی الگوی حجاب و پوشش نسبتاً متحدالشکل در بین زنان در رسانه‌های جمعی ملی ترویج می‌شود؛ برای زنان در جامعه فعلی حتی در جامعه ایلام هم امکان تمرین تقویت نگرش به مد بجز در محافل خصوصی و شخصی وجود ندارد و نگرش به بدن بیش از آنکه پدیده‌ای متأثر از مد باشد، تحت نفوذ ارزش‌هایی نظیر چهره، شکل اندام یا نحوه اطوارهای بدنی است که امکان نمایش آن در بیشترین صحنه‌های اجتماعی وجود دارد. آمار بالای جراحی‌های پلاستیک اندام‌های بدن، چربی‌برداری‌ها و بوتاکس‌ها که در مواردی بسیار بالاتر از آمار حضور افراد در صحنه تمرینات بدنی و ورزشی برای کاهش تدریجی وزن و



متناسب ساختن ظاهر بدن است، گویای آن است که توجه به ظاهر بدن بیش از آنکه متأثر از نگرش به مد - نه در سطح گسترده موجود - باشد، تحت نفوذ ویژگی‌های شخصیتی است. در این راستا به منظور کاهش خطرات ناشی از اقدامات افراد چاق برای اصلاح عیوب بدن و برای جلوگیری از اضافه وزن و بهبود ناهنجاری‌های جسمانی، سازمان‌ها و تشکلات فرهنگی و ورزشی باید با ایجاد آگاهی و تبلیغات مناسب، انگیزه افراد را برای مشارکت در برنامه‌های فعالیت‌های بدنی افزایش دهند. از محدودیت‌های پژوهش حاضر، استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس و کم‌بودن حجم نمونه پژوهش بود؛ لذا در تعمیم دادن نتایج باید جانب احتیاط را رعایت کرد. دشواری در تکمیل پرسشنامه و نبود امکان نظارت و کنترل مستقیم پژوهشگر از دیگر محدودیت‌های پژوهش است؛ چراکه تکمیل پرسشنامه مستلزم ارجاع به مراکز بالینی متعدد بود. با توجه به نتایج حاصل شده و مشخص شدن نقش سلامت روان در بروز چاقی، پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات پیشگیرانه‌ای در جهت ارتقای سطح سلامت روان و کاهش احتمال بروز چاقی در نوجوانان در جامعه صورت گیرد.

منابع و مأخذ (ب) فارسی

- آزاد ارمکی، تقی و حسن چاوشیان (۱۳۸۱)، «بدن به مثابه رسانه هویت»، جامعه‌شناسی ایران، دوره ۴، شماره ۴، صص ۵۷-۷۵.
- آنتونی، گیندلز (۱۳۷۸)، تجدد و تشخص، جامعه و هویت شخصی در عصر جدید، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- آیزنک (۱۳۷۰)، آزمون شخصیت آیزنک (Eysenck Personality Inventory or EPI)، مرجع علوم مدیریت الکترونیکی، www.emodiran.com
- اتکینسون، آر.ال، آر.اس. اتکینسون و ای.آر. هیلگارد (۱۳۷۵)، زمینه روان‌شناسی ۱، ترجمه محمدتقی براهنی و همکاران، تهران: رشد.

- اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۵)، در آمدی بر جامعه‌شناسی بدن، تهران: آدینه بوک.
- افتخاری، محمدحسن، افسانه احمدی، هنگامه خضری و جعفر حسن‌زاده (۱۳۹۳)، «بررسی شیوع نگرش‌های مربوط به کنترل وزن و اختلالات خوردن و ارتباط آن با شاخص‌های تن‌سنجی در دختران نوجوان دانش‌آموز»، دانشگاه علوم پزشکی لرستان، ۱۶(۳)، صص ۷۸-۸۴.
- حیدرزاده، کامبیز، بیت‌الله اکبری‌مقدم و مولود بکتاشی (۱۳۹۱)، «تأثیر مدگرایی بر رفتار خرید تفننی در میان دانشجویان»، مدیریت کسب و کار، شماره ۱۰، صص ۵۵-۷۳.
- خضری، داود (۱۳۹۲)، «تأثیر رسانه و تبلیغات بر تصویر تن نوجوانان پسر مقطع متوسطه شهرستان سردشت سال تحصیلی ۹۲-۹۱»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تبریز.
- دانش، سیمین و الهام فروزنده (۱۳۹۷)، «پنج عامل بزرگ شخصیت و تصویر بدنی در متقاضیان عمل‌های جراحی زیبایی شهر اصفهان»، روانشناسی و روانپزشکی شناخت، سال پنجم، شماره ۱ (پیاپی ۱۶).
- دهقان اردکانی، زهرا و فرشته مصطفوی راد (۱۳۹۸)، «پیش‌بینی سلامت روان بر اساس ویژگی‌های شخصیتی و تصویر بدنی در دانش‌آموزان دختر نوجوان متوسطه»، زن و جامعه، سال ۱۰، شماره ۱، صص ۳۳۱-۳۶۴.
- رحمان‌زاده، سیدعلی (۱۳۸۹)، «کارکرد شبکه‌های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن»، مطالعات راهبردی سیاست‌گذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۱، صص ۴۹-۷۸.
- رفعت‌جاه، مریم (۱۳۸۶)، «هویت انسانی زن در چالش آرایش و مد»، شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال دهم، شماره ۳۸، صص ۱۳۵-۱۷۹.
- رقیبی، مهوش و غلامرضا میناخانی (۱۳۹۰)، «ارتباط مدیریت بدن با تصویر بدنی و خودپنداره» دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی،

دوره ۱۲، شماره ۴ (۱۳۸۶).

- سید صالحی، سیده فاطمه و زهرا دشت بزرگی (۱۳۹۷)، «رابطه ویژگی‌های شخصیتی، نگرانی از تصویر بدنی و ناگویی خلقی با اختلال خوردن دانشجویان پرستاری»، پژوهش پرستاری، دوره ۱۳، شماره ۴، صص ۸-۱.

- شاکری، جلال، علی اکبر پرویزی فرد و خیراله صادقی (۱۳۸۴)، ویژگی‌های شخصیتی، استرس، شیوه‌های مقابله، نگرش‌های مذهبی در افراد اقدام‌کننده به خودکشی، کرمانشاه: دانشگاه علوم پزشکی رازی.

- شولتز، دوان، سیدنی الن شولتز (۱۳۸۶)، نظریه‌های شخصیت، ترجمه یحیی سید محمدی، تهران: مؤسسه نشر ویرایش.

- عطاری، یوسف (۱۳۸۸)، «بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و عوامل فردی خانوادگی، با رضایت زناشویی در کارکنان اداره‌های دولتی شهر اهواز»، دومین کنگره سراسری آسیب‌شناسی خانواده در ایران، ایلام: دانشگاه شهید بهشتی.

- عسکری، پرویز، حسن احدی و ساره زمانی (۱۳۹۳)، «رابطه طلاق عاطفی با تصویر بدنی و کمال‌گرایی»، مطالعات روان‌شناختی، دوره ۱۰، شماره ۴، صص ۱۱۹-۱۳۶.

- عمیدی، حسن و حاجی محمد احمدی (۱۳۹۵)، «مطالعه رابطه بین عضویت در شبکه اجتماعی و تمایل به مدگرایی در جوانان (با تأکید بر فیس‌بوک)»، مطالعات جامعه‌شناسی، دوره ۹، شماره ۳۲، صص ۱۲۳-۱۳۸.

- محمدی نصرآبادی، فاطمه، پروین میرمیران، نسرین امیدوار، یداله محرابی و فریدون عزیزی (۱۳۸۳)، «ارزیابی آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه‌ای بزرگسالان و رابطه آنها با نمایه توده بدنی و میزان لپیدهای سرم در بزرگسالان ساکن منطقه ۱۳ ایلام»، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، سال ۹، شماره ۴۱، صص ۲۶۱-۲۶۹.

- المدرسی، سیدمهدی، فاطمه محمدی، هوشمند باقری قره‌باغ و مصطفی مولایی (۱۳۹۴)، «بررسی اثر مذهب، مادی‌گرایی و ویژگی‌های

جمعیت‌شناختی مصرف‌کننده بر درگیری ذهنی با پوشاک مد (مورد مطالعه: شهر یزد)، تحقیقات فرهنگی ایران، دوره هشتم، شماره ۳، صص ۱۸۹-۲۱۳.

- میکاییلی، نیلوفر، معصومه قلی‌زاده و آذر کیامرثی (۱۳۹۱)، «نقش ویژگی‌های شخصیتی و تصور از بدن در پیش‌بینی کیفیت زندگی دانشجویان دارای اختلال بی‌اشتهایی عصب»، یافته‌های نو در روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی)، دوره ۷، شماره ۲۴، صص ۵-۱۹.

- نادری، فرح و زهره مرادیان؛ (۱۳۸۹)، «رابطه بین ویژگی‌های شخصیتی و اضطراب جسمانی - اجتماعی با اتخاذ رژیم‌درمانی روزانه در دانشجویان دختر» زن و فرهنگ، دوره ۱، شماره ۴، صص ۴۳-۵۴.

- نظریور، سهیلا و کامیان خزایی (۱۳۹۱)، «رابطه تصویر بدن و سبک‌های مقابله‌ای با شدت دیسمنوره اولیه»، اصول بهداشت روانی، دوره ۱۴، شماره ۵۶، صص ۳۴۴-۵۵۳.

ب) انگلیسی

- Fardouly, Jasmine, Phillipa C. Diedrichs, Lenny R. Vartanian and Emma Halliwell, (2015). The Mediating Role of Appearance Comparisons in the Relationship Between Media Usage and Self-Objectification in Young Women, *Psychology of Women Quarterly*. 1-11.
- Gimlin, Debra (2006). The Absent Body Project: Cosmetic Surgery as a Response to Bodily Dye-appearance. *Sociology*. Vol.40, No.4
- Jennifer Dyl & Jennifer. Kittler, Katharine. A. Phillips I.(2006), Body Dysmorphic Disorder and Other Clinically Significant Body Image Concerns in Adolescent Psychiatric Inpatients: Prevalence and Clinical Characteristics. *Hunt Child Psychiatry and Human Development* volume 36, pp.369-382 (2006).
- Jorga, J., Marinkovi, J., Kentri, B., Hetherington, M, (2007), Alternative Methods of Nutritional Status assessment in Adolescents. *Coll. Antropology*. 31(2):413- 418.
- MacNeill, L, P. Best, L, A. Davis, L, L. (2017). The role of personality



in body image dissatisfaction and disordered eating: discrepancies between men and women. J Eat Disord. 2017; 5:44.

- Parri, Ilyssa and Christia Spears Brown. (2008).The Selfie Generation: Examining the Relationship between Social Media Use and Early Adolescent Body Image. Journal of Early Adolescence, Vol (00)0; 1–22.
- Rowe, V, (2006),Cross-gender influence: The effect of perceived male preference on female body image and selfesteem in young adult group The Australian. Educational and Developmental Psychologist. 23(2),48-64.
- Schmalz, D.L,(2010).I Feel Fat:weight-Related Stigma, Body Esteem, and BMI as Predictors of Perceived Competence in Physical Activity. Obes facts.3:15-21.
- Swami,V.,Salem,N.,Furnham,A.,Tov`ee, M.J.(2008).The influence of feminist ascription on judgements of women`s physical attractiveness. Body Image.Jun;5(2):224-9.
- Toni, Heid (2004). Tempting bodies: shaping gender at work in Japan. Sociology. Vol.37, No.2.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی